

تأثیر اشعار احیاگرانه شابی بر شاعران و انقلاب‌های اخیر جهان عرب

محمد علی آذرشب

استاد دانشگاه تهران

علی ضیغمی*

استادیار دانشگاه سمنان

(۲۲-۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۰۵

چکیده

احیاگری و مبارزه با حالت جمود غالب بر جوامع، یکی از عوامل اصلی بیداری ملت‌ها و رهایی آنان از جنگ استعمارگران و زورگویان است. شاعر مشهور تونس، ابوالقاسم شابی در جای‌جای دیوان خود خواستار قیام و بیداری مردم از حالت بی‌توجهی نسبت به محیط اطراف خود شده است. در این دیوان، تصاویر احیاگرانه بسیاری دیده می‌شود که بر اراده و خواست مردم تأکید کرده است. قیام‌های اخیر در جهان اسلام در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی از این کشور نشأت گرفت و شعار غالب این انقلاب‌های مردمی «الشعب یرید إسقاط النظام» بود که آن نیز بر خواست مردم تأکید می‌کرد؛ از سوی دیگر مردم نیز در پارچه نوشته‌های خود، اشعار شابی را حمل می‌کردند که نشان دهنده تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم این شاعر بر تحولات اخیر جهان عرب است.

واژه‌های کلیدی: احیاگری، شابی، بیداری اسلامی، ادبیات معاصر عربی، تونس.

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: zeighami@semnan.ac.ir

۱- مقدمه

در این مقاله سعی شده به شابی به عنوان یک احیاگر نگاه شود؛ چرا که سراسر دیوان شعری «أغانی الحیاة» (ترانه‌های زندگی) او سرشار از احیاگری است. کوشش شده با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل بخش‌هایی از شعر احیاگرانه معاصر عرب با تکیه بر دیوان این شاعر نام‌آشنای تونسی پرداخته شود. روش توصیفی-تحلیلی، روشی است که در آن پژوهشگر آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضع فعلی موضوع مطالعه می‌شود و چگونگی وضع موجود را تعیین و گزارش می‌کند. (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۱۰) اما پیش از اینکه در مورد شابی سخن بگوییم نکاتی در مورد احیاء و احیاگری؛ اوضاع تونس در قرن ۱۹ و ۲۰م و تحولات اخیر تونس در پی خیزش مردمی در دی ماه ۱۳۸۹هـ.ش (ژانویه ۲۰۱۱م) بیان شده است، سپس نمونه‌هایی از اشعار احیاگرانه شابی به همراه نمونه‌هایی از اشعار معاصر که از شابی تأثیر پذیرفته، آورده شده است. هدف از این پژوهش، شناسایی این شاعر به مردم انقلابی ایران اسلامی و بیان نقش وی در الهام بخشی به انقلابیان خیزش‌های اخیر جهان عرب از طریق شعار مشهور آنان است که به اعتقاد نگارندگان از شعر مشهور شابی گرفته شده است.

درباره شابی پژوهش‌های زیادی انجام شده است؛ ولی تاکنون به این جنبه مورد بررسی در مقاله، پرداخته نشده است. از مرتبط‌ترین کارهای انجام شده می‌توان موارد زیر را نام برد: ۱- مفاهیم و ارزش‌های انسانی در شعر ابوالقاسم شابی، اثر معصومه شبستری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ هـ.ش. ۲- ملامح المقاومة في شعر أبي القاسم الشابي، نوشته رقیه رستم پور و امیر فرهنگ نیا، مجله دراسات في اللغة العربية وآدابها، دانشگاه سمنان و تشرین، شماره ۴، سال ۱۳۸۹. ۳- بیداری اسلامی، مردمی در اشعار فرخی و شابی، نوشته عبدالله حسینی و دیگران، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲.

۲- مفهوم احیاء

احیا به معنای کوشش برای زدودن حالت رکود و جمودی است که گریبانگیر جامعه

شده است. احیاگران در قالب‌های مختلف، می‌کوشند با این رکود مبارزه کنند و همت و عزم مردم را برای رهایی از این حالت غفلت و رسیدن به شرایط ایده آل جامعه تحریک کنند. هدف ادیان آسمانی نیز در «احیا» خلاصه می‌گردد. احیا از نگاه دین، فعال‌سازی بخش والای انسان برای رسیدن به هدف مطلوب و شکوفا شدن نیروهای مادی و معنوی نهفته در فطرت انسان، جهت ساخت تمدن انسانی فراگیر است. (آذرشب، ۱۳۸۸: ۱۵۰). در طول تاریخ اسلامی، احیاگران بسیاری به بیدارسازی مسلمانان پرداخته‌اند که امامان (ع) در رأس آنانند. در دوره معاصر نیز بزرگان بسیاری به این امر مهم دست زده‌اند. احیاگری در جهان اسلام، شاخصه‌هایی دارد که از دیگر حرکات‌ها باز شناخته می‌شود، از جمله: مبارزه با خودکامگی و استبداد، کوشش همه جانبه در راه پیوند دین و سیاست، تلاش برای فراگیری فناوری‌های جدید، بازگشت به اسلام راستین و مبارزه با خرافات، ایمان و اعتقاد به مکتب، مبارزه با استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، کوشش برای وحدت جهان اسلام، دمیدن روح جهاد در کالبد جامعه اسلامی، مبارزه با خودباختگی در برابر غرب و... (رشیدی، ۱۳۹۰).

۳- احیاگری در دوره معاصر و گسترش آن در تونس

سید جمال‌الدین اسدآبادی، به عنوان پدر انقلاب‌های آغاز قرن بیستم و پایه گذار نهضت ادبی معاصر در کشورهای عربی و اسلامی شناخته می‌شود، که چارچوب فکری بیداری اسلامی قرن نوزدهم و بیستم در نوشته‌های وی و شاگردانش امثال محمد عبده نمایان گردیده است (احمد، ۱۹۸۹م: ۷۵). گفته شده است که سید جمال‌الدین روزگاری را در مغرب و فاس بوده، به الجزایر و تونس نیز رفته است و تقریباً بیشتر کشورهای آفریقایی را دیده است (واتقی، ۱۳۴۸: ۸۸). حتی اگر سید جمال خود به تونس نرفته باشد اما اندیشه‌هایش به وسیله آثار و شاگردانش به تونس راه یافته است؛ در سال ۱۸۸۵ چهار سال پس از اشغال تونس، شیخ محمد عبده شاگرد وفادار سید جمال‌الدین به تونس سفر کرد؛ هدف او از این سفر برقراری ارتباط با افراد آزاد اندیش و احیاگر تونس و جهت دادن آنها برای انقلاب بر ضد اوضاعی بود که نه تنها تونس، بلکه جهان اسلام از

آن رنج می‌برد. تأثیر حرکت سید جمال و عبده این بود که انجمن‌های فکری زیادی در تونس بر اثر آن خواستار نوگرایی و تحوّل شدند؛ از مشهورترین و مؤثرترین این انجمن‌ها، جمعیت قدمای صادقیه بود که پرچمدار افکار آزادی خواهانه و جدید در تونس شد و با قدرت تمام دعوت به درک و فراگیری اصول تمدن جدید نمود، ابوالقاسم شابی نیز یکی از اعضای فعال این جمعیت بود (نقاش، ۱۹۷۱: ۱۳).

۴- اوضاع تونس در دوره معاصر

خاندان حسینی^۱ از سال ۱۷۰۵م تا سال ۱۹۵۷ که جمهوری تونس اعلام موجودیت کرد بر این کشور حکومت می‌کردند (حسین، ۱۹۷۹: ۳). فرانسه در سال ۱۸۸۱م این سرزمین را نیز تحت اشغال خود درآورد. تونس به مدت ۷۵ سال از ستم، دشمنی و اشغال فرانسه رنج برد؛ اما مردم آن سرزمین، شکل جدیدی از مبارزه را آغاز کرد و رویارویی خود را با استعمار در زمینه آموزش و فرهنگ عمومی جهت داد. جنبش‌های سیاسی ملی تونس نیز یکی پس از دیگری ادامه یافت و درخواست‌های مردم با برپایی تظاهرات و اعتراض علیه قوانین ضد ملی به گوش خودکامگان رسید. سرانجام آنان مجبور به لغو اشغال سرزمین‌های مستقل تحت الحمایه خود شدند و تونس نیز مانند دیگر کشورهای اسلامی در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ میلادی به استقلال رسید و نیروهای فرانسوی در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۳ میلادی از این کشور خارج شدند (بیضون و دیگران، ۱۹۹۲م: ۱۱۲-۱۱۴).

۵- احیاگران تونس در دوره معاصر

از احیاگران تونس در دوره استعمار می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: محمد عربی زروق^۲ (ت ۱۸۲۲) که در برابر نفوذ فرانسه در دربار تونس مقاومت نمود و از امضای معاهده «باردو» سر باز زد؛ شیخ محمد سنوسی^۳ (ت ۱۸۵۹)، فارغ التحصیل دانشگاه زیتونه تونس و از اولین رهبران جنبش ملی و مخالفان حمایت فرانسه که به علت مبارزات بی‌امان خود از تونس به قابس تبعید و سپس بازداشت شد؛ شیخ عبدالعزیز ثعالبی^۴ (ت ۱۹۴۴)، مؤلف کتاب «تونس الشهیده» که نقشه‌های استعمار را افشا نمود؛ علی ابوشوشه بنیانگذار

جمعیتی به نام «جماعة الحاضرة» که پشتیبان حرکت اسلامی و متأثر از اندیشه‌های سید جمال‌الدین و محمد عبده بود؛ بشیر صفر^۵ (ت ۱۹۱۷) که انجمن علمی خلدونیه را بنیانگذاری نمود؛ علی باش حانبه^۶ (ت ۱۹۱۸) فارغ التحصیل دانشگاه زیتونه و شاعر بزرگ تونس، ابوالقاسم شابی (ت ۱۹۳۴) که همگی از رهبران متفکر و سردمداران بیداری اندیشه و احیا در تونس، در اوایل قرن بیستم بودند (بیضون و دیگران، ۱۹۹۲: ۱۶۸/۱۷۳). در جریان انقلاب اخیر مردم تونس در دی ماه ۱۳۸۹ هـ.ش نیز می‌توان به شیخ راشد الغنوشی (متولد ۲۲ ژانویه ۱۹۴۱) رهبر حزب النهضة این کشور اشاره کرد؛ هرچند وی هرگز نتوانست در حد رهبر یک انقلاب مردمی، ظاهر شود.^۷

علی‌رغم وجود بسیاری از دانشمندان در تونس در قرن‌های یازده تا سیزده هجری قمری، در دیوان ابوالقاسم شابی حالتی از خمودگی دانشمندان و افکار مرتجعانه عالمان دینی در دوره او ترسیم می‌گردد. برای نمونه می‌بینیم که شابی در توصیف این دوره، اینگونه می‌سراید:

إِنَّ ذَا عَصْرٍ ظَلَمَةٍ غَيْرَ أَنِّي مِنْ وَرَاءِ الظُّلَامِ ثَمْتُ صَبَاحِهِ
صَبَّحَ الدَّهْرُ مَجْدَ شَعْبِي وَلَكِنْ سَتَرْتُ الْحَيَاةَ يَوْمًا وَشَاحَهُ

(الشابی، ۱۹۹۹: ۴۳)

«بی‌گمان، زمانه، زمانه تاریکی‌هاست؛ ولی من از پس این فضای تیره و تاریک، چشم در راه بگاهم؛ / روزگاران، شکوه مردم را تباه کرد؛ اما زندگی، روزی نشان آن را باز خواهد گرداند.» مردم عامی تونس در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، تابع تقلید کورکورانه‌ای بودند که در نتیجه‌های نور، حیات، کرامت و آزادگی را بر روی آنان می‌بست. مردانی مرتجع خود را بر مردم تحمیل کرده و به نام دین و خدا، کارهایشان را توجیه و مردم را از به‌کارگیری عقل‌هایشان محروم می‌کردند. باور مردم تونس بر آن بود که بدبختی‌های موجود، خواست خداوند و یک نعمت الهی است که تحمل آن موجب اجر اخروی خواهد شد (کرو، ۱۹۸۹: ۷۴). شابی در چنین جو دارای جمود و خفقان، چون تندبادی بود که بر همه مظاهر نادانی و زیدن‌گرفت و اشعار خود را در خدمت رشد و بیداری مردم در آورد و تلاش نمود که به احیاگری و ایجاد پویایی در

جامعه اطراف خود بپردازد. مخاطب اشعار وی تنها مردم تونس نیستند، بلکه مردمان سراسر جهان، بویژه جهان اسلام، مخاطبان اویند.

شاعر در جای دیگر آرزو می‌کند که با اندیشه شاعرانه بتواند به احیای پیرایه و ملی آرزوها و خواسته‌های او به اندازه‌ای است که هستی گنجایش آن را ندارد:

وَأَوْدُ أَنْ أَحْيَا بِفِكْرَةِ شَاعِرٍ فَأَرَى الْوُجُودَ يَضِيقُ عَنْ أَحْلَامِي

(الشابی، ۱۹۹۴: ۱۷۱)

«دوست دارم با اندیشه یک شاعر، زندگی کنم و هستی را بینم که گنجایش آرزوهای مرا ندارد».

۶- تونس و تحولات اخیر جهان اسلام

تونس، امروزه یکی از مشهورترین کشورهای جهان و یا دست کم، جهان اسلام به شمار می‌رود؛ چرا که نقطه آغاز تحولات اخیر جهان اسلام است و موج جدید بیداری اسلامی از این کشور آغاز شد و به دیگر کشورهای عربی سرایت کرد. مردم تونس با حمل پلاکاردهایی که روی آن شعر شابی نوشته شده بود

إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ

(الشابی، ۱۹۹۹: ۹۰)

با جانفشانی‌های بسیار توانستند زین العابدین بن علی را در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ م پس از ۲۹ روز اعتراض مردمی، سرنگون ساخته و برای سایر کشورهای عربی در مقابله با دیکتاتورها الگو باشند.

نکته قابل توجه، شعار مشهور (الشَّعْبُ يُرِيدُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ) = «ملت خواستار سرنگونی رژیم است» مردم تونس بود که دیری نپایید بر سر زبان دیگر ملت‌ها نیز افتاد. به اعتقاد ما این شعار که بر خواست و اراده مردم تأکید می‌کند، برگرفته از همین شعر مشهور اراده الحیاة شابی است، مردم تونس از کودکی این اشعار را می‌آموزند و جایگاه آن در تونس به قدری است که دو بیت آغازین این قصیده در سرود ملی این کشور نیز جای گرفته است (www.ar.wikipedia.org/wiki). فتحی غزوانی از سران جنبش النهضة تونس نیز بر جایگاه ویژه شابی در تحولات اخیر کشور تونس تأکید کرده و خاطر نشان نموده

است که مردم تونس، پیر و جوان اشعار شابی را ترنم می‌نمایند و در تحولات اخیر از او تأثیر پذیرفته‌اند (www.rohama.org/ar/news/6687). پس جای تعجب نیست که مردم در قیام خود این اشعار را بر ضد حکومتی که آنان را به بند کشیده بود، تکرار نمایند؛ بر اراده خود تأکید کرده و با صدای بلند فریاد بزنند که ما می‌خواهیم این رژیم سرنگون شود؛ چرا که شاعرمان شابی گفته است اگر مردم بخواهند، پس قضا و قدر ناگزیر خواسته آنان را می‌پذیرد و غل و زنجیرها در هم می‌شکند. همچنانکه آنان از آموزه‌های اسلامی فهمیده بودند که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا اینکه خود آنان سرنوشتشان را تغییر دهند.» (رعد/ ۱۱)

شعر در این دوره در میدان مبارزه و احیاگری قد علم کرد و به انقلاب‌های پیرامون خود توجه نشان داد و منبری برای رساندن صدای آنها گردید؛ بخشی از این اشعار متأثر از شاعر بزرگ تونس ابوالقاسم شابی است که در ادامه ذکر خواهد شد.

۷- احیاگری ابوالقاسم شابی (۱۹۰۹ - ۱۹۳۴ میلادی)

شابی در محیط تونس شاهد عواملی بود که توانایی‌های پنهان وی را آشکار نمود و دیدگاه وی را نسبت به واقعیت زندگی و جهان پیرامونش پخته‌تر و به تجربه شعوری وی عمق و غنای بیشتری بخشید. همه این مسائل به تعیین موضعگیری شاعر نسبت به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فکری پیرامونش کمک کرد. شابی در مبارزات پیشرفت اجتماعی که در قرن نوزدهم میلادی در برخی از کشورهای عربی به خصوص مصر و شام شروع شده بود و در ربع اول قرن بیستم به اوج خود رسید، مشارکت فعالی داشت. اگر در اندیشه‌های شاعر درنگی داشته باشیم او را یکی از پیشگامان شناخت مشکلات جامعه خواهیم یافت. شابی در طول تحصیلش، فعالیت‌های ادبی و اجتماعی گسترده‌ای از جمله رهبری جریان‌های احیاگرانه و اصلاح طلب دانشجویی داشت، و نقش مهمی در تأسیس جمعیت «الشبان المسلمین» و «النادی الأدبی» در پایتخت تونس و «نادی الطلاب» در شهر توزر ایفاء کرد و از مهمترین اعضای فعال آن به شمار می‌رفت. (شبه‌ستری، ۱۳۷۵: ۶۸) شابی روحی بلند پرواز داشت و در اشعار خود بسیار بر عامل

زندگی و رهایی از بندهای تحمیل شده بر مردم تأکید کرده است. وی در جای جای دیوان خود، تصاویری بدیع را از احیا طلبی و درخواست از مردم برای شوریدن بر ضد حالت جمود و تن دادن به شرایط موجود جامعه، ارائه کرده است. شابی به تلاش‌های گسترده‌ای دست زد تا بتواند جان‌ها را احیا کند. تأسیس باشگاه‌های ادبی، سخنرانی‌ها و شعرهای احیاگرانه از جمله کارهای او در این زمینه به شمار می‌رود. وی می‌دانست که مقدمات قیام هر ملتی جز با آگاهی و شوریدن علیه نادانی فراهم نمی‌شود، پس با صدای بلند خود زندگی آزاد و عزت‌مندانه را که حق هر انسانی است ترسیم کرد و به خوانندگان اشعارش آموخت که جمود، ستم‌پذیری و سستی اسباب تقویت ستم است. شاعر، پیشرفت و رها شدن را در گرو خواست ملت می‌داند و اراده ملت را نتیجه آگاهی و بیداری می‌داند:

لَا يَنْهَضُ الشَّعْبُ إِلَّا حِينَ يَدْفَعُهُ عَزْمُ الْحَيَاةِ إِذَا مَا اسْتَيْقَظَتْ فِيهِ

(الشابی، ۱۹۹۹: ۱۹۴)

«ملت از خواب برنخواهد خاست مگر آن‌گاه که هوای زیستن در درونش بیدار شده و او

را به پیش براند.»

۸- محورهای احیاگری شابی

الف) کرامت نفس و ذلت ستیزی

اولین ارزش اخلاقی که شابی به خواننده شعرش ارائه می‌دهد، کرامت نفس است. احیاگران باید عزت امت را در رأس کارهای خود قرار دهند و بدانند که دشمنان در پی خوار کردن مردمند. این مسأله‌ای است که خداوند در قرآن درباره قوم فرعون نیز بر آن تأکید کرده است: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ﴾ (زخرف/۵۴) «قومش را خوار کرد پس از او اطاعت کردند». از روش‌هایی که استعمارگران برای از بین بردن عزت مسلمانان در طول تاریخ به کار گرفته‌اند و می‌گیرند؛ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- ایجاد احساس ناامیدی و افسردگی از طریق بزرگنمایی نقاط منفی و کوچک‌نمایی دستاوردها. ۲- برانگیختن اختلافات قومی و مذهبی و بزرگ کردن این اختلافات. ۳- تحریف تاریخ و مدیون نشان دادن مسلمانان به تمدن‌های روم و یونان و تلقین

جنگ طلب بودن مسلمانان. ۴- ایجاد کانون تنش در جهان اسلام برای ادامه درگیری‌ها. ۵- تحمیل سیطره استبدادی خود بر مسلمانان به صورت مستقیم یا از طریق مزدوران خود. ۶- چپاول ثروت ملت‌ها و آشامیدن خون آنان، مبارزه با هر جنبش علمی، و بی سواد نگه داشتن مردم. ۷- مشغول کردن مردم و جوانان به امور شهوانی، جنسی و بی بندباری از طریق تولیدات مستهجن ماهواره‌ای، اینترنتی و ... خود و گسیل داشتن آن به سوی جهان اسلام، به منظور بازداشتن آنان از امور مهم (آذرشب، ۱۳۸۸ش: ۴۴-۴۶). شابی ایمان دارد که اگر نفس انسانی حقیر و خرد شود، هرگز در راه آرمان‌های بلند، خود را به سختی نخواهد انداخت.

مَنْ كَانَ جَبَّارَ الْمَطَامِعِ لَمْ يَزَلْ يُلَاقِي مِنَ الدُّنْيَا ضَرَاوَةَ قَشْعِمِ

(الشابی، ۱۹۹۹م: ۱۶۹)

«آنکه خواسته‌های بزرگ دارد، همواره با سختی‌های دنیا، دست به گریبان است.»

او شاعری نیست که از توان بالقوه مردمش چشم پوشی نماید؛ آنان از نظر وی مردمی هستند که برای بدست آوردن عزت از دست رفته خود، قیام خواهند کرد:

سَيِّئَارُ لِلْعِزِّ الْمُحْطَمِّ تَاجُهُ رَجَالٌ إِذَا جَاشَ الرَّدَى فَهَمُّهُمْ هُمُ
رَجَالٌ يَرَوْنَ الدُّلَّ عَارًا وَسَبَّةً وَلَا يَرْهَبُونَ الْمَوْتَ وَالْمَوْتَ مُقَدِّمُ
وَهْلٌ تَعْتَلِي إِلَّا نَفُوسٌ أَبِيَّةٌ تُصَدِّعُ أَغْلَالَ الْهُوَانِ وَتَحْطُمُ

(الشابی، ۲۰۰۹: ۱۵۹)

«زودا که به خون‌خواهی عزت خدشه دار شده‌شان به پا خیزند. مردانی که در هنگامه خروش مرگ، مرد کارزارند/ مردانی که خواری را چون عار و ننگ می‌دانند و از مرگی که به سوی آنان می‌آید، نمی‌هراسند/ آیا جز انسان‌های تسلیم‌ناپذیری که بند و کمند خواری را در هم می‌شکنند، کس دیگری به بزرگی دست می‌یازد؟»

شاید نمونه‌ای از مردانی که شابی خبر از آنان داده است همین انقلابیان اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی در جهان اسلام بودند که توانستند حکومت‌های دیکتاتوری چندین ساله دیکتاتورهای کشورهای عربی را با جانفشانی‌های خود براندازند و صفحه جدیدی برای خود و مردم کشورشان بکشایند.

ب) آزادی

شابی خمیره خلقت انسان را با آزادی آمیخته می‌بیند، نعمتی که خداوند به انسان بخشیده است و بر اوست که از تن دادن به قیدهای دنیوی خودداری کرده و در مسیر زندگی آزادانه حرکت کند:

وَحُرّاً كُنُورِ الصُّحَى فِي السَّمَاءِ	خُلِقْتَ طَلِيقاً كَطَلِيفِ النَّسِيمِ
وَأَلْقَتْكَ فِي الْكُونِ هَذِي الْحَيَاةِ	كَذَا صَاغَكَ اللَّهُ يَا ابْنَ الْوُجُودِ
وَتَحْنِي لِمَنْ كَبُلُوكَ الْجَبَاهِ؟	فَمَا لَكَ تَرْضَى بِذُلِّ الْقَيْدِ
فَمَنْ نَامَ لَمْ تَنْتَظِرْهُ الْحَيَاةِ	أَلَا انْهَضْ وَسِرْ فِي سَبِيلِ الْحَيَاةِ

(الشابی، ۱۹۹۹: ۱۸۶)

«ای انسان! چون نسیم سحری رها و به سان نور روز در آسمان، آزاد آفریده شده‌ای! ای فرزند هستی، خداوند تو را اینگونه خلق کرده است و در هستی این زندگی را به تو داده است، پس تو را چه شده است که به خواری این بندها راضی می‌شوی و در برابر آنان که تو را به بند کشیده‌اند، سر فرود می‌آوری؟ هان برخیز و در راه زندگی گام بردار، که زندگی خفتگان را به انتظار نمی‌ماند.»

این آزادی حتی به شعر شابی نیز راه یافته است به گونه‌ای که آزادگی ادبی او از شعرش یک سلاح ساخته است:

بِمَدْحَةٍ أَوْ رِثَاءٍ تُهْدَى لِرَبِّ السَّرِيرِ	لَا أَنْظِمُ الشَّعْرَ أَرْجُو بِهِ رِضَاءَ الْأَمِيرِ
--	--

(الشابی، ۱۹۹۹: ۲۲۴)

«من مدیحه‌ای نمی‌سرایم که با آن، در پی خشنودی شاهزاده‌ای باشم، یا رثایی نثار صاحب مقامی نمی‌کنم (تا چیزی به دست آورم).»

اراده و آرزوهای بزرگ، همیشه از آن مردان بزرگ است و راه رسیدن به چنین قله‌هایی، همیشه پرخطر و صعب‌العبور است. از این رو، وی هموطنان خود را به احیا طلبی دعوت کرده و از آنان می‌خواهد که از خواب غفلت برخیزند:

يَا بَنِي الْأَوْطَانِ هُبُوا
فَلَقَدْ طَالَ الْوُجُومُ

وَأَهْضُوا نَهْضَةَ جَبًّا
رِ بَعَزْمٍ مُسْتَقِيمٍ
(الشابی، ۱۹۹۹: ۱۴۰)

«ای هم‌میهنان به پا خیزید که خاموشی ما بسی به درازا کشید، برخیزید و با اراده‌ای استوار نهضتی سهمگین به پا کنید».

ج) امید

امید، پیامی است که شابی به وسیلهٔ آن، روح خوانندهٔ شعرش را تازه می‌سازد و پرده‌های ناامیدی تیره را از مقابل چشمانش کنار می‌زند:

وَلَا تَأْسَ مِنْ حَادِثَاتِ الدُّهُورِ
فَتَخْلَفَ الدِّيَا جِرِ فَجَرٌ جَدِيدٍ
(الشابی، ۱۹۹۹: ۲۷۶)

«از رویدادهای ناگوار زمانه نومید مشو؛ چرا که در پس تاریکی‌ها سپیده دمی نو است».
(پایان شب سیه، سپید است).

از نظر او زشتی و زیبایی، راحتی و سختی، نور و تاریکی در پی هم به عنوان واژه‌های قاموس هستی قرار دارند و در پس هر سختی، راحتی و بعد از هر ظلمتی، نور است:

﴿فَإِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (شرح/ ۵)

امید و اعتقاد به چنین موضوعی، مواجهه با مشکلات را برای انسان آسان می‌سازد و به وی اطمینان می‌دهد که بدون تحمل آن به بزرگی‌ها نخواهد رسید:

وَلَوْلَا غُيُومُ الشِّتَاءِ الْغُصَابِ
لَمَّا نَصَدَّ الرَّوْحُ تِلْكَ الْوُرُودِ
وَلَوْلَا ظِلَامُ الْحَيَاةِ الْعُبُوسِ
لَمَّا نَسَجَ الصُّبْحُ تِلْكَ الْبُرُودِ
(الشابی، ۱۹۹۹: ۲۷۶)

«اگر ابرهای توفندهٔ زمستان نبود، باغ‌ها چنین گل‌هایی را به بار نمی‌آورد و اگر تیرگی زندگانی تُرُش روی نبود، بامدادان، آن دیبهای پر نقش و نگار را نمی‌بافت».

د) ملی‌گرایی

در دیوان شابی، حدود ۹۱ قصیده وجود دارد که از بین آنها ۱۳ قصیده دربارهٔ مضامین ملی‌گرایانه است (رستم پور و فرهنگ‌نیا، ۱۳۸۹: ۸). او در این اشعار به موضوعاتی چون مبارزه با عقب‌ماندگی مردم، مقابله با استعمار، حسرت خوردن نسبت به وضعیت

حاکم بر کشور و پابندی به حل مشکلات هموطنان می‌پردازد. ملی‌گرایی شابی، بسیار شدید است و در مقابل استعمار و واپس‌گرایان قرار دارد.

أَيْنَ يَا شَعْبُ قَلْبِكَ الْخَافِقُ الْحَسَنُ سَسَسُ؟ أَيْنَ الطُّمُوحُ وَالْأَخْلَامُ؟
أَيْنَ يَمُّ الْحَيَاةِ يُدَوِّي حَوَالَيْكَ كَيْ؟ فَأَيْنَ الْمُقَامِرُ الْمُقَدَّامُ؟
(الشابي، ۱۹۹۹: ۱۵۳)

«ای مردم، دل‌های تپنده پرشورتان کجاست؟ همّت بلند و رؤیاهایتان را چه شده؟ کجاست آن دریای زندگی که گرداگرد شما می‌خروشد، و کجایند دریا دلان پیشتان؟»
شابی در اشعار خود، توجه ویژه‌ای به مردم دارد. این گرایش را در قصیده مشهور «إرادة الحياة» به وضوح می‌توان دید. او سعی دارد زندگی با عزت و همراه با سعادت را برای خود و هموطنان خویش فراهم کند.

إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ
وَلَا بُدَّ لِلْبَلِّ أَنْ يَنْجَلِي وَلَا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ
وَمَنْ لَمْ يُعَانِقْهُ شَوْقُ الْحَيَاةِ تَبَخَّرَ فِي جَوْهَا وَأَلْدَثَرَ
فَوَيْلٌ لِمَنْ لَمْ تَشْتَقْهُ الْحَيَاةُ مِنْ صَفْعَةِ الْعَدَمِ الْمُتَّصِرِ
(الشابي، ۱۹۹۹: ۹۰)

«هرگاه مردمانی سر زیستن داشته باشند، تقدیر را از قبول خواسته آنان نه‌گزیری است و نه‌گزیری. شب تیره به ناچار زوده شده، و زنجیرها در هم می‌شکنند. آن کس که شوق زندگی در سر ندارد، در فضای (عرصه) زندگی نابود می‌گردد. پس وای بر کسی که هوای زیستن ندارد؛ چرا که نیستی پیروز، سبلی محکمی نثارش خواهد کرد.»

از نظر شابی مردم دو دسته‌اند: برخی شاد و امیدوارند و برخی ناامید و مأیوس:

وَالنَّاسُ شَخْصَانِ: ذَا يَسْعَى بِهٖ قَدَمٌ مِنَ الْقُنُوطِ وَذَا يَسْعَى بِهٖ الْأَمَلُ
(الشابي، ۱۹۹۹: ۱۳۱)

«مردم دو گروه‌اند: برخی سوار بر مرکب ناامیدیند و برخی دیگر امید و ایمان، آنها را به پیش می‌رانند.»

شابی به سبب داشتن روحی حساس، تأثیر پذیری از آموزه‌های اسلامی و دارا بودن رگه‌هایی از رمانتیسم و ادبیات مهجر که رسالتی انسانی و متعالی داشته، شاعری متعهد

به شمار می‌رود. مبارزه او تنها در مخالفت با استعمار نیست؛ بلکه وی با هر مانعی که سد راه رسیدن انسان‌ها به کمال باشد مبارزه کرده و با جهل، تعصب‌های پوچ، خمودگی و خوی تسلیم‌پذیری مردم در برابر قدرت‌های خودکامه، به شدت مخالف است. شابی با روح حساس خویش از نامردمی‌ها و نیرنگ‌هایی که در جامعه وجود داشت رنج می‌برد و این دردها را در نهانخانه وجود نگه می‌داشت و در اشعار احیاگرانه خود منعکس می‌ساخت. کمتر شعری را در دیوان او می‌توانیم بیابیم که از اندیشه‌های انسانی تهی باشد.

۹- نمونه‌هایی از تأثیر‌پذیری ادبای معاصر از اشعار احیاگرانه ابوالقاسم شابی خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا اینکه خود آنان سرنوشتشان را تغییر دهند.» (رعد/۱۱) در همین زمینه، پس از شابی شاعران و ادبای بسیاری به طور مستقیم یا غیر مستقیم با تأثیر از اندیشه‌های شابی در خصوص اراده ملت‌ها، در برابر ستم‌هایی که بر مردم کشورشان روا داشته می‌شد، مانند وی، موضع‌گیری کردند و با تأکید بر خواست و اراده ملت، آنرا عامل اصلی تغییر سرنوشت ملت‌ها دانسته‌اند. بسیاری از این اشعار که در ادامه می‌آید هم زمان با حرکت وسیع مردمی جهان عرب در سال ۲۰۱۱ میلادی، علیه حکومت‌های استبدادی و وابسته به غرب از سوی شاعران متعهد معاصر سروده شده است؛ شاعرانی که پا به پای مردم، علیه حاکمان ستمگر وارد عمل شدند و با اشعار انقلابی خود به دفاع از مردم پرداختند.

الف: تأثیر مستقیم

۱- احمد عبدالمعطی حجازی (متولد ۱۹۳۵ میلادی)^۸

حجازی در شعر *إرادة الحياة* خود که هنوز در دیوان شعرش چاپ نشده است؛ بلکه نخستین بار در روزنامه «المصرى اليوم» و سپس در شماره ۱۴۱ مجله «الشعر» مصر در بهار ۲۰۱۱م منتشر شده است، به طور واضح از قصیده «إرادة الحياة» شابی تأثیر پذیرفته و از اسلوب آن پیروی نموده است:

«إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ» / فَلَا بُدَّ أَنْ يَتَحَرَّرَ مِنْ خَوْفِهِ / وَيَحْمَلَ فِي كَفِّهِ رُوحَهُ / وَيَسِيرُ بِهَا مُوْغِلًا
 فِي الْخَطَرِ / إِلَى أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ! / إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ / فَلَا بُدَّ مِنْ أَنْ يَقُومَ الْعَبِيدُ /
 قِيَامَتَهُمْ / يَصِيرُونَ عَلَى غَضَّةِ الْجُوعِ /... / «إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ» / فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ /
 وَهَا هُوَ يَوْمٌ يُمْرُ، وَعَامٌ، / وَجِيلٌ، وَجِيلٌ / وَلَمْ يَسْتَجِبْ أَحَدٌ بَعْدَ لِلشَّعْبِ / لَمْ يَتَمَلَّمْ حَجْرٌ / ... /
 «إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ» / فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَرِدَّ شَجَاعَتَهُ / وَيُنَادِيَ جَمَاعَتَهُ / وَيَسِيرُ بِأَمْوَاغِهِ الْعَائِيَةِ /
 إِلَى الطَّاعِيَةِ /... / إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ / فَلَا بُدَّ أَنْ يَتَحَرَّشَ بِالْمَوْتِ / أَنْ يُنْزَلَ الْمَوْتُ مِنْ عَرْشِهِ /
 ... / إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ / فَلَا بُدَّ أَنْ يَتَعَلَّمَ كَيْفَ يَغْتَنِي / وَكَيْفَ يَغْدُو خَطَاهُ إِذَا مَا مَشَى /... /
 وَلَا بُدَّ لِلشَّعْبِ أَنْ يَزْرَعَ الْقَمْحَ، / فَالْقَمْحُ فِي رَحِمِ الْأَرْضِ بَدْرُنَا / وَدَلِيلُ قَرَابَتِنَا /... / وَلَا بُدَّ لِلشَّعْبِ
 أَنْ يَنْتَصِرَ!

(www.today.almasryalyoum.com/article2.aspx?ArticleID=287137)

«هرگاه ملتی سر زیستن داشته باشد، باید از ترس و رهد، و جان بر کف، به خطرهای درآید؛ تا تقدیر در مقابلشان سر تسلیم فرود آورد! هرگاه ملتی خواهان زندگی باشد، بندگانیش باید به پا خیزند و برابر گرسنگی پایداری کنند... اگر ملتی خواهان زندگی باشد، باید که تقدیر خواسته آنان را بپذیرد» روز از پی روز، سال از پی سال و نسل از پس از نسل... اما هنوز هم ندای مردمان را پاسخی نیامده است. هیچ سنگی از جای خود تکان نخورده است. ... اگر ملتی خواهان زندگی باشد، باید که شجاعت خود را باز پس گیرد، مردمان خویش را فراخواند، وانگه با امواج سرکش حضور خود بر خودکامه طاعی بتازند، ... اگر ملتی خواهان زندگی باشد، باید که گریبان مرگ را برگرفته و آن را از عرش خود به زیر کشد ... اگر ملتی خواهان زندگی باشد؛ باید که بیاموزد، رسم بی نیازی را. و اینکه چگونه هنگام راه رفتن، سریع گام بردارد ... باید که مردم گندم بکارند؛ چرا که گندم در سینه [زهدان] زمین بدر ما و نشان خویشی و قرابت ماست ... و باید که مردم پیروز شوند».

خود حجازی در روزنامه «أخبار اليوم» مصر، آشکارا اظهار داشته است که در این قصیده از شابی تأثیر پذیرفته است و آن را بر همان وزن متقارب قصیده «إرادة الحياة» شابی سروده است. (www.masress.com/adab/2348)

۲- احمد مطر (متولد ۱۹۵۴ میلادی)

این شاعر عراقی معاصر مقیم لندن نیز در ابیات زیر با لحن طنزآمیز خود با تأثیر از

قصیده «إرادة الحياة» شابی اینگونه می‌سراید:

إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ/ فَلَا بُدَّ أَنْ يُبْتَلَى «بِالْمَرِيْنِ»/ وَلَا بُدَّ أَنْ يَهْدُمُوا مَا بَنَاهُ/ وَلَا بُدَّ أَنْ
يَخْلُقُوا «الْإِنْجِلِيزِ»/ وَمَنْ يَتَطَوَّعَ لَشْتَمِ الْعُرَاةِ/ يُطَوَّعَ بِأَوْلَادِ عَبْدِ الْعَزِيزِ/ فَكَيْفَ سُبْمِكُنْ رَفْعَ الْجِبَاهِ/
وَأَكْبَرَ رَأْسِ لَدَى الْعُرْبِ طِيء...؟! (مطر، دت: ۸۸۳)

«اگر ملتی خواهان زندگی باشد، به ناچار گرفتار [نیروهای] «مارینز» (تفنگداران دریایی آمریکا) خواهد شد و آنان ناگزیر دسترنج مردم را ویران کنند و از پس انگلیسی‌ها بیایند؛ و آن که داوخواه ناسزا گفتن به تجاوزپیشگان باشد، با فرزندان عبدالعزیز آغاز خواهد کرد؛ پس چگونه می‌توان پیشانی‌ها و بزرگترین سر در نزد عرب‌ها را بالا گرفت؟!»

شاعر با تمسخر، راه رسیدن مردمان کشورهای عربی به خواسته خود و زندگی کردن را اشغال کشورشان توسط تفنگداران دریایی آمریکا (مارینز) می‌داند؛ همانگونه که در عراق اتفاق افتاد. از آنجا که نیروهای آمریکایی نیز معمولاً با انگلیسی‌ها هستند و در قالب ائتلاف مشترک به اشغال کشورهای اسلامی و عربی می‌پردازند؛ احمد مطر به این مسأله نیز اشاره می‌کند، سپس با زبان طنز خود به دلیل اصلی این اشغالگری اشاره می‌کند و می‌گوید اگر شخصی بخواهد به اشغالگران دشنام دهد، ابتدا به مسببان اصلی اشغالگری و بدبختی مردم یعنی حاکمان کشورهای عربی دشنام می‌دهد؛ حال این حاکمان چگونه می‌خواهند سر خود را بالا بگیرند؟

۳- محمود درویش: (۱۹۴۱ - ۲۰۰۸ میلادی)

این شاعر فلسطینی نیز در اشعار زیر با تأثیر پذیری از شابی اینگونه می‌سراید:

... إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ/ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْجَرَادُ .. / فَهَيَّا بِنَا أَيُّهَا الْكَادِحُونَ وَصَنَاعُ
تَارِيخِنَا/ الْحُرِّ، هَيَّا بِنَا/ لِنُحْرِقَ شِعْرَ الْمَدِيحِ، وَشِعْرَ الطَّبِيعَةِ وَالْحُبِّ/ وَالْعِبْرَاتِ/ وَكُلَّ الرُّوَايَاتِ
وَالْأَغْنِيَاتِ الْقَدِيمَةِ وَالْوَجْعِ الْعَاطِفِي/ وَمَا تَرَكَ الْعُرْبُ وَالشَّرْقُ فِينَا مِنَ الذِّكْرِيَّاتِ/ وَهَيَّا بِنَا /
لِنَصْنَعُ مِنْ كُلِّ حَبَّةٍ رَهْلًا خَلِيَّةً/ وَنُجْزِ خُطَّتَنَا الْمَرْحَلِيَّةَ/ سُنْبُحُ فِي الْيَوْمِ أَلْفَ شِعَارٍ وَعِشْرِينَ شَاعِرًا.
(www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=shqas&qid=64436)

«اگر مردم روزی [چیزی] بنخواهند، بناچار که ملخ‌ها (دشمنان) خواسته‌هاشان را اجابت کنند؛ پس ای رنج‌پیشگان و ای نگارندگان تاریخ آزادگی ما، بیایید تا دفتر مدیحه و شعر طبیعت و عشق؛ سرشک‌ها، تمام رمان‌ها، ترانه‌های دیرین، دردهای عاطفی و خاطراتی که

غرب و شرق در میان ما به جا نهاده‌اند، آتش زنیم [همه و همه را بسوزانیم]. بیایید از هر دانه ریگ، کندویی بسازیم و نقشه را گام به گام پیش ببریم، تا در آن روز دستاوردمان هزار شعار و ۲۰ شاعر خواهد بود».

ب: تأثیر غیر مستقیم

همانگونه که قبلاً گفته شد، شابی شاعری است که به تحریک کردن همت و اراده مردم در خواستن زندگی بهتر مشهور شده است و گفته است که اگر مردم بخواهند کاری را انجام بدهند، هیچ چیز جلودار آنان نخواهد بود. منظور از تأثیر غیرمستقیم در نمونه شعرهایی که در ادامه آمده است و بیشتر آنها در جریان انقلاب‌های اخیر جهان عرب از سال ۲۰۱۱م به بعد سروده شده است، این است که در آنها بر اراده و خواسته مردم تأکید شده است که نوعی تأثیر پذیری از شعر ارادة الحیاة شابی به ویژه مطلع آن است:

۱- محمود ابراهیم ابو شریف ملقب به ابو شاهین: (شاعری فلسطینی اهل غزه):

الشَّعْبُ يُرِيدُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ

مَنْ قَالَ إِنَّ الشَّعْبَ كَالْأَنْعَامِ	يَنْقَادُ فِي دَرْبِ الْعَمَى بِلِجَامِ
كَذَبُوا بِقَوْلِهِمْ لِغَيْرِ نَزَاهَةِ	فَالشَّعْبُ يَرْفُضُ سَطْوَةَ الظَّلَامِ
مَلَأَ الشُّوَارِعَ فِي الْمَدَائِنِ صَادِعًا	وَشِعَارُهُ الْإِسْقَاطُ لِلْحُكَّامِ
إِنَّ الشُّعُوبَ تُرِيدُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ	مِمْ وَرَمْرَةَ الْجُبْنَاءِ وَالْأَقْرَامِ
يَا غَرْبَ لَا لَنْ يَنْفَعَكَ الْيَوْمَ الدُّوَا	ءُ لثَوْرَةَ أَتْظَنُّهَا كَرْكَمِ
هِيَ أُمَّةٌ قَدْ أَدْرَكَتْ سُلْطَانَهَا	نَزَعَتْ مِنَ الْحُكَّامِ كُلَّ زَمَامِ
قَامَتْ لِحُكْمِ ظَالِمٍ وَشِعَارُهَا	شَعْبٌ يُرِيدُ إِقَامَةَ الْإِسْلَامِ
إِنَّ الْبَدِيلَ إِمَامَةٌ لَا غَيْرَهَا	حَلٌّ لِكُلِّ مَشَاكِلِ الْأَنَامِ

(www.alaqsa-online.com/vB/showthread.php?t=21598)

مردم سرنگونی رژیم را می‌خواهند...

«کسانی که گفتند مردم به سان چهار پایاند و عنان بر دهان در کوجه‌های نادانی هی می‌شوند، بی هیچ عفتی، دروغی ناروا گفتند. از آن رو که مردم، ظلم ستم‌پیشگان را بر نمی‌تابند. مردم به خیابان‌ها درآمدند و ندای سرنگونی رژیم را سر دادند؛... مردم خواستار سرنگونی رژیم

و گروه بزدلان و فرومایگانند. ای غربی‌ها! نه، نوشداروی شما برای انقلابی که گویی آن را زکام پنداشته‌اید، امروز سودی نخواهد بخشید... این امتی است که قدرت را به دست گرفته و ابتکار عمل را از این حاکمان گرفته است.... مردم بر ضد حکومت ستمگران به پا خاسته و شعارشان این است: «مردم خواستار برپایی حکومت اسلامند». حکومت جایگزین، امامت [و یک حکومت اسلامی] و نه غیر آن است، که آن راه حل مشکلات بشریت است.»

همانگونه که می‌بینیم این شاعر با اشاره به تلاش‌های غرب برای حفظ رژیم‌های دیکتاتوری حاکم بر برخی از کشورهای عربی، تأکید می‌کند اراده و خواست مردم برپایی حکومت اسلامی است.

۲- فالح الحجیة الکیلانی (شاعر عراقی متولد ۱۹۴۴ میلادی)

أَيَا مِصْرُ أَيَا قَلْبِي أَلَا تُورِي أَلَا هُبِّي
طَوَاعِيَتْ طَوَاعِيَتْ وَقَدْ تَسْعَى إِلَى الْغَرْبِ
فَثَرْنَا ثَوْرَةَ عَظْمَى عَلَى الطُّغْيَانِ وَالنُّصَبِ
جُمُوعُ الشَّعْبِ قَدْ صَاحَتْ بِصَوْتِ هَادِرِ صُلْبِ
فَقَدْ حَاقَتْ مَجَارِبَهَا وَكُلُّ النَّاسِ فِي نُصَبِ
فَهَذَا الشَّعْبُ جَوْعَانٌ وَمَحْرُومٌ وَفِي شُصْبِ
وَفِي ثُونِسَ لَنَا يَوْمٌ وَفِي مِصْرٍ لَنَا خَطْبِ
أَيَا عَرَبُ أَيَا شَعْبِي أَلَا تُورِي أَلَا هُبِّي

(www.z77z.com/vb/forum63)

«هان ای مصر! ای قلب من! قیام کن و برخیز؛ راه‌های تو مسدود و همه مردم زیر نظرند... طاغوتیان و ستم پیشگان، شتابان به سوی غرب روانند، این‌ها که جا مانده‌اند مردم گرسنه و محرومند... پس بر تجاوز و نیرنگ سهمگین شوریدیم؛ در تونس ظفر یافتیم و در مصر با رویدادی عظیم روبرو گشتیم... خیل مردم با صدایی رسا و آهنین فریاد برآوردند که ای عرب‌ها، ای مردمان من! قیام کنید و برخیزید.»

۳- حماد أبو شامة (شاعری عربستانی متولد ۱۹۶۳ میلادی)

يُرِيدُ الشَّعْبُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ
طَغَاةَ يَحْكُمُونَ النَّاسَ ظُلْمًا
وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ النَّاسُ ثَابُوا
وَقَدْ فَتَحَ الطَّرِيقَ لَنَا شَبَابُ أَلْـ
وَتَحْرِيرَ الْبِلَادِ مِنَ الظُّلَامِ
وَيَنْعَمُسُونَ فِي عَمَلِ الْحَرَامِ
إِلَى الرُّشْدِ الَّذِي فِي (الْأَعْتِمَامِ)
كِنَانَةٍ فِي الْإِبَاءِ وَفِي الْكَلَامِ
(أَرُذُن) لِنِدَاءِ مِصْرَ عَلَى الْقِيَامِ
فَلَبَّى النَّاسُ فِي (يَمَنِ) وَفِي

وَدَاخِلَ (لَيْبِيَا) انْتَفَضَ الشَّابُّ الـ	ذِي قَدْ كَانَ ثَوْرِي الْقَوْمِ
وَفِي الْبَحْرَيْنِ يَعْتَصِمُ الرَّعَايَا	فَمَا هُمْ فِي الْمَنَامَةِ بِالنَّيَامِ
سَتَقْوَى ثَوْرَةَ الْعَرَبِ اضْطِرَامًا	وَيَبْقَى الْوَعْيُ مِنْهُمْ فِي تَنَامِي
إِلَى أَنْ يَرْحَلَ الْحُكَّامُ عَنْهُمْ	وَيُمْسِكُ كُلُّ شَعْبٍ بِالرَّمَامِ
فَيَا شَعْبَ الْعُرُوبَةِ ذُمْ عَزِيزًا	وَيَا شَعْبَ الْإِبَاءِ إِلَى الْأَمَامِ
وَهَا أَنَا ذَا أَتَيْتُ إِلَيْكَ فَلـ	يَقْبَلِ الثُّوَارُ بَيْنَهُمُ انْضِمَامِي
فَأِنِّي شَاعِرٌ، وَالشُّعْرُ عِنْدِي	يَفِيضُ عَلَيَّ مِنْ لُغَةِ الضَّرَامِ
وَإِنِّي مَيِّتٌ لَا شَكَّ يَوْمًا	فَكَيْفَ أَخَافُ مِنْ سَبَبِ الْجِمَامِ !!؟

(www.manabe3.com/vb/forumdisplay.php?f=75)

«مردم خواستار سرنگونی رژیم و رها کردن کشور از دست ستمگرانند، این حاکمان، طاغیان هستند که ستمگرانه بر مردم حکومت می‌کنند و غرق در کارهای حرامند... ولی این مردم به خود آمدند و به راه درست - یعنی تحصن - رهنمون شدند؛ و جوانان کنانه (مصر) راه ظلم‌ستیزی و سخنوری را برای ما گشودند، پس مردم یمن و اردن به ندای انقلاب مصر لبیک گفتند؛ در لیبی جوانانی انقلابی به پا خواستند... و در بحرین مردم تحصن کردند و در منامه از خفتگان نبودند... شراره‌های انقلاب عرب‌ها فزونی خواهد یافت و هشیاری آنان نیز... تا آن زمان که این حاکمان بروند و هر ملتی زمام کار خود را در دست گیرد... ای مردمان عرب، پاسدار عزت خود باشید، و ای غیرتمندان به پیش بتازید... هان من نیز [اکنون با شمایم و] به سوی شما آمدم و امید آن دارم که انقلابیان پیوستم به آنان را پذیرا باشند، من یک شاعرم و در نزد من زبان شعر از زبانه آتش فروزان‌تر است. و بی‌گمان یک روز خرقه تهی می‌کنم، پس چرا از اسباب مرگ بهراسم؟»

همانگونه که می‌بینیم شاعر در این قصیده بر خواست و اراده ملت‌ها در برابر رژیم‌های عربی تأکید می‌کند و مانند شابی معتقد است که هیچ چیز در برابر اراده ملت‌ها، نمی‌تواند بایستد.

۱۰- نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که ابوالقاسم شابی، شاعری مردمی و احیاگر بوده است که در جای جای دیوان خود بر بیداری مردم از حالت جمود و خفتگی تأکید

می‌کند و خواستار عزت و کرامت انسانی است و این اشعار احیاگرانه پس از مرگ وی، تأثیر خود را در جامعه تونس و جهان عرب به جای گذاشت که نمونه‌هایی از آن را در اشعار حجازی، احمد مطر، محمود درویش و برخی دیگر از شاعران معاصر عرب دیدیم؛ تا آنجا که شعار بارز انقلاب‌های اخیر جهان عرب در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی یعنی شعار «الشَّعْبُ يُرِيدُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ» متأثر از شعر مشهور «إرادة الحياة» ابوالقاسم شابی است. این انقلاب‌ها در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی از زادگاه ابوالقاسم شابی یعنی تونس شروع شد و شعراء و ادبای معاصر جهان عرب نیز با تأثیر پذیری از شابی به سرودن اشعاری در حمایت از این انقلاب‌های مردمی پرداخته‌اند، که نمونه‌هایی از آن بیان شد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- خاندان حسینی تونس از نسل بای‌های تونسند که در سال‌های «۱۷۰۵-۱۹۵۷م» در آن کشور حکومت می‌کردند؛ مؤسس آن حسین بن علی (۱۷۰۵-۱۷۳۵م) و آخرین آنها محمد الامین (۱۹۴۳-۱۹۴۷م) بود که حبیب بورقیبه هنگام برپایی نظام جمهوری، وی را خلع کرد. (ر.ک: الحسینیون فی تونس، ۲۰۱۵م)
- ۲- محمد العربی زروق خزندار، متولد سال ۱۷۶۰ در باردو است، وی وزیر و خزانه دار خاندان بای بود، به اقداماتی چون اصلاح قلعه کاف، تقویت مرزهای کشورش با الجزایر و... پرداخت؛ او در ۲۹ اکتبر ۱۸۲۲م از دنیا رفت. (ر.ک: الإمام، ۱۹۸۰: ۱۳۰)
- ۳- محمد بن علی السنوسی بن العربی، مشهور به السنوسی الکبیر در سال ۱۷۸۷ در مستغانم الجزایر به دنیا آمد و در سال ۱۸۵۹ در جنوب لیبی از دنیا رفت.
- ۴- عبد العزیز الثعالبی در سال ۱۸۷۶ به دنیا آمد و در اول اکتبر ۱۹۴۴ از دنیا رفت. وی یکی از رهبران سیاسی و دینی تونس است که توانست بین دین و سیاست ارتباط برقرار کند و در رهایی کشورش از اشغال و ظلم نقش داشت.
- ۵- بشیر صفر در سال ۱۸۶۵ در تونس به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۷م وفات یافت؛ وی یکی از رهبران جنبش اصلاحی تونس است که به پدر دوم نهضت تونس نیز مشهور است.
- ۶- علی باش حانبه، در سال ۱۸۷۶ در شهر تونس به دنیا آمد؛ او روزنامه نگار و سیاست مدار تونسی و یکی از مؤسسان جنبش الشباب تونس است؛ وی در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۸ در استانبول ترکیه وفات یافت.

۷- برای مطالعه بیشتر رک به: أبوزکریا یحیی، *الحركة الإسلامية في تونس من الثعالي والی الغنوشي*، دار ناشری، ۲۰۰۳م.

۸- أحمد عبد المعطی حجازی شاعر و منتقد مصری، در سال ۱۹۳۵م در استان المنوفیة مصر به دنیا آمد. وی در بسیاری از همایش‌های ادبی که در بسیاری از کشورهای عربی برگزار شده شرکت کرده است. وی از پیشگامان جنبش نوآوری در شعر معاصر عرب به شمار می‌رود. برخی از قصاید وی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، روسی، اسپانیایی، ایتالیایی و آلمانی ترجمه شده است.

منابع

قرآن کریم

آذرشب، محمد علی، *التوجیه الثقافی*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸ش.
أبوزکریا، یحیی، *الحركة الإسلامية في تونس من الثعالي والی الغنوشي*، دار ناشری للنشر الإلكتروني، ۲۰۰۳م.

أحمد، رفعت سید، *الحركات الإسلامية في مصر وإیران*، القاهرة، سینا للنشر، ط ۱، ۱۹۸۹م.
الإمام رشاد، *سیاسة حمودة باشا في تونس ۱۷۸۲-۱۸۱۴*، منشورات الجامعة التونسية، د.ط، ۱۹۸۰.
بیضون، جمیل و شحادة الناطور وعلی عکاشة، *تاریخ العرب الحدیث*، الأردن، دارالأمل، ط ۱، ۱۹۹۲م.
حسین، محمد خضر، *تونس وجامع الزيتونة*، القاهرة، دارالفکر العربی، د.ط، ۱۹۷۹م.

خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

رستم پور رقیه و امیر فرهنگ نیا، «ملاحم المقاومة في شعر أبي القاسم الشابي»، دراسات في اللغة العربية وادابها، العدد ۴، السنة الأولى، جامعة سمنان، سمنان، ۱۳۸۹ش.

الشابی أبوالقاسم، دیوان و رسائل، شرح مجید طراد، بیروت، دارالکتاب العربی، د.ط، ۲۰۰۹م.

_____، دیوان، تعلیق یحیی شامی، بیروت، دار الفکر العربی، ط ۱، ۱۹۹۹م.

شبستری، معصومه، مفاهیم و ارزش‌های انسانی در شعر ابوالقاسم شابی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۷۵ش.

الفاخوری حنا، *الجامع في تاریخ الأدب العربی الحدیث*، بیروت، دار الجیل، ط ۱، ۱۹۸۶م.

کرو، أبوالقاسم محمد، *کفاح الشابی*، دمشق، دار طلاس، ط ۴، ۱۹۸۹م.

مطر، أحمد، دیوان، نسخه الکترونیة PDF الجزء الثالث، د.م، د.ط، د.ت.

نقاش، رجاء، *ابوالقاسم الشابی شاعر الحب والثورة*، بیروت، دارالقلم، ط ۱، ۱۹۷۱م.

واتقی، صدر، *سیدجمال الدین اسدآبادی پایه گذار نهضت‌های اسلامی*، تهران، پیام، ج ۱، ۱۳۴۸ش.

منابع اينترنتى

خطب الديكتاتور الموزونة، ٢٠١٢م.

www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=shqas&qid=64436

الشعب يريد إسقاط النظام، ٢٠١٢م.

www.alaqsa-online.com/vB/showthread.php?t=21598

ويكيبيديا الموسوعة الحرة، حماة الحمى، ٢٠١٢م.

<https://ar.wikipedia.org/wiki/حماة-الحمى>

يريد الشعب إسقاط النظام، ٢٠١٢م.

www.manabe3.com/vb/forumdisplay.php?f=75

٢٠١١م التيار الإسلامى في تونس أقوى التيارات

www.rohama.org/ar/news/6687

رشيدى طاهره، سيد جمال الدين، مصلح شرق، ١٣٩٠ش.

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=202288>

أيا مصر أيا قلبي، ٢٠١٢م.

www.z77z.com/vb/forum63

الحسينيون في تونس، ٢٠١٥م.

<http://www.hukam.net/family.php?fam=4>